

## افغانستان

قانون اساسی میگوید که "دین دولت اسلام است" و "هیچ قانون نمی تواند در مغایرت با عقاید و قواعد دین مقدس اسلام واقع شود". در سال 2004 در قانون اساسی به مذاهب اهل تشیع و اهل سنت مساویانه حیثیت داده شد. قانون اساسی حکم میکند که "پیروان ادیان دیگر میتوانند عقیده خود را حفظ کنند و در چوکات قانون رسوم مذهبی شان را عملی سازند.

احترام به آزادی مذهبی در زمان گزارش دهی بیشتر صدمه دید، مخصوصا برای افراد و گروه های عیسوی. تأثیرات باقی مانده از جهاد علیه اتحاد جماهیر شوروی، جنگهای داخلی، حاکمیت طالبان، شکوک عام در ارتباط با نفوذ خارجی و اهداف خارجی، و ادارات دیموکراتیک هنوز ضعیف، بحیث صد راه بسیار جدی باقی مانده است. قضیه های جبر و ستم، واقعات تشدد پیهیم و بیانات منتشر شده خشمگین توسط اعضای پارلمان و پروگرامهای تلویزیونی در برابر اقلیتهای مذهبی، مخصوصا عیسویان و همچنان مسلمانان که در مورد شان گفته میشود که به اساسات اسلام ارج نمی گذارند، هنوز مشهود است. نظریات منفی و شکوک در جامعه در رابطه با فعالیتهای عیسوی باعث شده است که گروه ها و افراد عیسوی بشمول افغانهای که به دین عیسویت برگشته اند، هدف حملات قرار گیرند. عدم موجودیت احساس مسئولیت و حفاظت توسط حکومت در برابر این افراد و گروه ها، آزادی مذهبی را بیشتر در مخاطره قرار میدهد.

در ماه جولای 2009 رئیس جمهور کرزی قانون مسايل شخصی و خانوادگی اهل تشیع را توشیح نمود، این قانون مدنی مسايل خانوادگی و زن و شوهری شیعه گان را که اقلیت هستند، تنظیم میکند. قانون اساسی به اقلیت اهل تشیع حق میدهد که مسايل خانوادگی و شخصی شان را در روشنی عقیده و مذهب خود شان حل نماید. نشر اول قانون باعث بروز انتقادهای بسیار زیاد شد بخاطریکه در قانون حقوق زنان محدود شده بود. وزارت عدلیه قانون را تعدیل نمود و بعضی از ماده های جنجال برانگیز را حذف نمود؛ رئیس جمهور کرزی قانون تعدیل شده را توشیح نمود که در جریده رسمی نشر گردید.

تقریبا اکثریت نفوس کشور را مسلمانان تشکیل میدهد. گروه های اقلیت غیرمسلمان، خصوصا عیسویان، هندو و گروه های سک هدف تعصب و پیگیری قرار گرفته بودند. برگشتن از دین اسلام به نظر علمای اهل تشیع و اهل سنت و همچنان اکثریت افراد کشور شکستن قانون اسلام تلقی میشود. در میان مسلمانان، ارتباطات میان گروه های مختلف مشکل است. بر مبنای تاریخ، اجتماع اهل تشیع از سوی سنی ها که اکثریت اند، شکار تعصب قرار گرفته اند. این تعصب در جریان راپور دهی همچنان ادامه داشت. افراد محلی هندو و سک، اگرچه اجازه ادای رسوم مذهبی خود را بگونه علنی داشتند، مگر در یافتن زمین برای سوزاندن مرده های شان دچار مشکلات بوده اند و همچنان در گرفتن وظایف دولتی شکار تبعیض بوده و در مراسم بزرگ آزار و آذیت دیده اند. اکثریت بهایی ها و عیسویان عقاید شانرا آشکار نمیکنند و برای رسوم مذهبی شان بطور علنی گرد هم نمی آیند.

حکومت ایالات متحده به اساس پالیسی خود که میخواهد حقوق بشر را تقویت کند، همواره با مسئولین حکومتی در باره آزادی مذهبی صحبت میکند. سفارت ایالات متحده مداوم بزرگان سیاسی، جامعه مدنی و مذهبی را به پروگرامها در ایالات متحده میفرستند. بعضی تیمهای بازسازی ولایتی (پی آر تی) از طریق پروگرام عاجل همکاری قومندانان امریکایی در بازسازی مدارس کمک کرده اند.

### فصل اول، آمار پیروان مذاهب مختلف

این کشور 402,356 میل مربع مساحت دارد؛ نفوس آن بین 24 و 33 میلیون تن تخمین میگردد. احصائیه دقیق پیروان مذاهب در دست نیست بخاطریکه احصائیه به سطح ملی در چند دهه اخیر صورت نگرفته است. ناظرین تخمین میکنند که 80 فیصد نفوس را سنی ها تشکیل میدهد، 19 فیصد شیعه ها و کمتر از یک فیصد نفوس را پیروان مذاهب دیگر تشکیل میدهد. براساس تخمینها توسط این اجتماعات اقلیتی، تقریبا 3,000 سک، بیشتر از 400 بهایی و 100 هندو کمتر از یک فیصد نفوس را میسازد. یک اجتماع کوچک عیسویان نیز وجود دارد؛ که تعداد آنها بین 500 و 8,000 میباشد. بر علاوه ازین، تعداد کمی از پیروان ادیان دیگر نیز هستند. فقط یک یهود افغان شناخته شده وجود دارد.

از لحاظ سنتی، دین اکثریت اسلام است، بطور خاص اهل سنت که پیرو مذهب حنفی میباشند. طی 200 سال گذشته، اکثریت نفوس پیرو شعبه دیوبندی از اهل سنت حنفی هستند. دارالعلوم دیوبند مرکز بزرگ تعلیمات اهل سنت در آسیای مرکزی است. اکثریت علمای اهل سنت افغان از دارالعلوم دیوبند فارغ هستند و یا توسط علمای تربیت دیده اند که در آنجا تحصیل کرده اند. یک اقلیت قابل

ملاحظه را اهل تصوف تشکیل میدهد. اهل تصوف بر بنیاد اخوت (سنی ها و اهل تشیع) استوار است که از علمای دارای نام عالی پیروی میکنند. در قرن بیست، اسلام "وهابی" در بعضی مناطق ترویج یافت.

از لحاظ تاریخی، پیروان یک مذهب در یک منطقه زندگی میکنند. پشتونهای سنی در جنوب و شرق اکثریت هستند. مرکز هزاره های شیعه در هزاره جات است، ولایت مرکزی کوهی در چهار اطراف ولایت بامیان. در ولایات شمال شرق معمولاً پیروان اسماعیلیه سکونت دارند. در مناطق دیگر، بشمول کابل، پیروان مذاهب مختلف مانند سنی، شیعه، سک، هندو و بهایی یکجا باهم زندگی میکنند. در شهر شمالی مزار شریف سنی های (پشتون، ترکمن، ازبک و تاجک) و شیعه های (هزاره و قزلباش) بشمول شیعه های اسماعیلی باهم زندگی میکنند.

در قرن بیستم، اجتماعات کوچک بهایی ها، بودایی ها، عیسویان، هندوها، یهودان و سکها درین کشور زندگی داشتند، مگر اکثریت آنها در سالهای جنگهای داخلی و حاکمیت طالبان مهاجر شدند. در اواخر حاکمیت طالبان بجز تعداد کم از هندو ها و سکها، دیگر نفوس غیرمسلمان تقریباً از بین رفت. از سقوط طالبان بدین طرف، بعضی از اعضای اقلیتهای مذهبی بکشور برگشته اند که اکثریت آنها در کابل رهایش پذیر اند.

نورستانی ها، یک گروه کوچک مگر شناخته شده دارای زبان مشخص که در منطقه کوهی در شرق کشور زندگی میکنند، پیرون دین دیرینه پولیتیتیک بود که در اواخر قرن نوزدهم دین اسلام را قبول کردند. بعضی رسوم مذهبی غیر اسلامی بگونه عنعنات هنوز هم باقی مانده است.

در کابل دو گوردواره (محل عبادت سکها) و ده دیگر در مناطق دیگر کشور فعالیت دارد؛ قبل از جنگها تعداد گوردواره ها در کشور به 64 میرسید. در سه شهر چهار مندر (محل عبادت هندوها) وجود دارد؛ دو مندر در کابل، که یکی آن هم در پهلوی یک مسجد قرار دارد، یک مندر در جلال آباد و دیگر در غزنی موقعیت دارد. 18 مندر دیگر در جریان جنگهای داخلی مجاهدین چور و تخریب شدند و یا از فعالیت باز ماند.

یک کنیسه (محل عبادت یهود ها) وجود دارد، اما به سبب عدم موجودیت اجتماع یهودان، از آن استفاده صورت نمیگیرد. دیگر کلیسا عیسویان وجود ندارد؛ محکمه دعوی گروی 99 ساله کلیسا را تایید نکرد، و صاحب زمین عمارت را در مارچ 2010 ویران نمود. کلیساها و معابد کوچک در سفارت ایتالیه، در پوسته های نظامی و پی آر تی ها برای ادیان مذاهب مختلف وجود دارد. تعداد از اتباع که به عیسویت روی آورده اند از مهاجرت برگشته اند.

از 150 سال بدینسو پیروان عقیده بهایی در کشور وجود دارند. اکثریت بهایی ها در کابل زیست میکنند، تعداد آنها درین شهر به 300 میرسد؛ گفته میشود 100 تن بهایی در مناطق مختلف دیگر زندگی بسر میبرند.

## فصل دوم. وضع آزادی مذهبی

### چوکات حقوقی/پالیسی

عملی ساختن کامل و مؤثر قانون اساسی 2004 یک مشکل دوامدار بود، بخاطر تعهدات متناقض در آن، و عدم موجودیت تجدید نظر عنعنوی بر قوه ی قضائیه.

قانون اساسی تعهد میکند که در روشنی اعلامیه حقوق بشر عمل میکند و دولت را مکلف میسازد که "بر مبنای مساوات اجتماعی، احترام به حرمت انسانی، محافظت از حقوق بشر، دیموکراسی و اتحاد ملی و مساوات درمیان تمام اقوام و گروه ها یک جامعه مرفع و پیشرفته را ایجاد کند". پیروان ادیان دیگر "اجازه دارند که در چوکات قانون بطور آزادانه رسوم دینی شان را پیش ببرند".

قانون اساسی حکم میکند که رئیس جمهور و معاون رئیس جمهور باید مسلمان باشند و درین ارتباط فرق میان شیعه و سنی در نظر گرفته نمی شود. این امر در مورد وزراء و اعضای پارلمان در نظر گرفته نشده است، اما در تحلیف وزراء و اعضای پارلمان آنها سوگند یاد میکنند که به اساسات و اصول دین اسلام ارج میگذارند.

قانون اساسی همچنان حکم میکند که اسلام "دین رسمی کشور" است و "هیچ قانون در تناقض با عقاید و قواعد دین مقدس اسلام بوده نمی تواند"، و "قواعد که برای عملی کردن اساسات دین مقدس اسلام و رژیم جمهوریت اسلامی حکم میکنند تعدیل شده نمی توانند". و در موارد که قانون اساسی و قانون جزأ خاموش اند، بشمول مسایلی مانند تبدیل کردن عقیده و توهین به مقدسات، محاکم براساس برداشتهای شان از قوانین اسلام عمل میکنند که بعضی برداشتها در مغایرت با اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار دارد و آن حکم قانون اساسی را نقض میکند که میگوید اعلامیه های جهانی حقوق بشر که کشور آنها امضا کرده، در نظر گرفته میشوند.

قانون اساسی میگوید که اگر مواد قانون اساسی و یا دیگر قوانین در مورد مسئله صراحت نداشته باشند، محاکم میتوانند به اساس فقه حنفی طوری فیصله کنند که تاحد امکان انصاف عملی گردد. قانون اساسی همچنان میگوید اگر تمام جوانب قضیه اهل تشیع باشند میتواند روی فقه اهل تشیع فیصله صورت گیرد. برای افراد غیرمسلمان قوانین مخصوص وجود ندارد.

در جولای 2009 رئیس جمهور شکل تعدیل شده قانون احوال شخصی اهل تشیع را امضا نمود. رئیس جمهور کرسی قبلا این قانون را در اپریل 2009 امضا کرده بود. بعضی سران اهل تشیع از قانون به این خاطر حمایت نمودند که فقه اهل تشیع در این قانون به رسمیت شناخته شده بود، اما قانون ماه اپریل در داخل کشور و همچنان در بیرون از آن جنجال برانگیز بود بخاطریکه حقوق زنان در آن در نظر گرفته نشده بود، مخصوصا عدم موجودیت احکام در دفاع زن از جبر جنسی همسر. پس از تجدید نظر روی قانون در اواسط 2009، وزارت عدلیه بعضی مواد جنجال برانگیز را حذف نمود؛ و رئیس جمهور کرسی شکل تعدیل شده قانون را در جولای 2009 امضا نمود و آن قانون عملی شد. اکثر ناظرین در داخل و خارج از کشور نقد کردن این قانون را ادامه دادند که حقوق زنان و پیمانهای بین المللی حقوق بشر را نقض میکند و کشور آنها امضا نموده است. نقاط جنجال برانگیز درین قانون، سن حد اقل ازدواج، تعدد خانمها، حقوق میراث، حق خود ارادیت، آزادی حرکت، مسئولیت های جنسی و وراثت بحساب می آیند.

برگشتن از اسلام ارتداد پنداشته میشود که به اساس بعضی از قوانین کشور جزای آن مرگ است. قانون جزا ارتداد را جرم نمی پندارد، و قانون اساسی از تطبیق جزا به هر آن جرم جلوگیری میکند که در قانون جزا تعریف نشده باشد؛ اما، قانون جزا حکم میکند که به جنایات فاحش بشمول ارتداد در پرتو فقه حنفی جزا داده میشود و دوسیه توسط یک خرنوال از لوی خرنوالی پیش برده میشود. برگشتن از اسلام به دین دیگر جرم فاحش پنداشته میشود، زیرا در چوکات قانون اسلامی بحساب می آید. مرد و یا زن بالغ و عاقل که از اسلام روگشتانده باشد، سه مهلت دارد که دوباره به اسلام روی آورد و یا سنگسار میشود. تمام ملکیت و جایاداش مصادره و نکاحش نیز باطل میگردد. در سالهای اخیر مقامات ملی و یا محلی بر کسانیکه از اسلام برگشته اند کدام جزای جنایی را وضع نکرده اند.

ارتداد جرمیست که به اساس بعضی از قوانین اگر توسط مرد و یا زن عاقل و بالغ صورت گرفته باشد جزای آن اعدام است. به کسانیکه متهم به ارتداد اند سه روز مهلت داده میشود که دوباره به اسلام برگردند و یا جزای مرگ را ببینند. در سالهای اخیر به هیچ کسی چنین جزا داده نشده است.

ریاست فرامین و فتوای ستره محکمه در می 2007 حکم نمود که عقیده بهایی از اسلام بیرون است و آنها تکفیر کرد. ریاست واضح ساخت که مسلمانانیکه به عقیده بهایی رو آورده اند، مرتد و پیروان عقیده بهایی کافر اند. بهایی های که اعلامیه عقیده اسلام را قبول کرده بودند توقع نداشتند که در برابر شان چنین حکم صادر گردد. این حکم برای بهایی ها در کشور نامعلومی ها را ایجاد نمود، مخصوصا در مورد ازدواج زنان بهایی با مردان مسلمان. اتباعیکه از اسلام به عقیده بهایی رو آورده اند به خطر پیگیری مواجه بودند، مانند افرادی که به عیسویت روی آورده بودند حتی با خطر مرگ مواجه بودند. این نیز مشخص نبود که حکومت با نسل دوم بهایی چگونه رفتار میکند، آنها نیکه در خانواده های بهایی به دنیا آمده اند. اگرچه در اصل آنها عقیده را تغییر نداده اند، اما بعضی از آنها خود را شکار چنین برخورد می بینند که گویا مرتد شده باشند. توقع میرفت که این حکم بهایی های خارجی را مستثنی قرار میدهند.

به اساس گفته های مقامات حکومتی، اگرچه محاکم بطور طبیعی تمام اتباع را مسلمان می پندارند، در عمل غیرمسلمان میتوانند در صورتیکه مسلمان نبودن خود را آشکار نکرده باشد ازدواج کند. برعلاوه، قاضیان بیان میدارند که یک مرد مسلمان میتواند با زن غیرمسلمان عروسی کند، اما اولاد آن زن "اگر اهل کتاب نباشد" باید به اسلام روی آورد. همچنان، زن مسلمان نمی تواند با مرد غیرمسلمان ازدواج کند.

فقط در روزهای مقدس اسلامی رخصتی یا تعطیل عمومی میباید. اجتماع شیعه ها میتواند، آشکارا روز تولد امام علی، را جشن بگیرد. او یکی از شناخته ترین چهره قابل احترام در فرقه شیعه ها است. روزهای عزاداری عاشورا در ماه جنوری و دسامبر 2009 در سراسر شمال و مناطق مرکزی و همچنین در قندهار بشکل گسترده و مسالمت آمیز انجام مییافت.

حکومت بطور دوامدار سعی نمود که در قوانین جنایی و حقوق مدنی کشور را با تعهدات بین المللی کشور خود آراسته سازد. قانون جزای 1978 "جرم علیه مذاهب" را واضح ساخته است اما مشخصا در مورد ارتداد توضیح نمی دهد. قانون مجازات می گوید افرادی که به اجبار انجام مراسم مذهبی یکی از ادیان را متوقف سازند یا کدام محل عبادت دینی را تخریب نمایند و یا به آن آسیبی برسانند و یا هر گونه علامت یا نمادی از هر گونه مذهب را ویران و یا خساره من سازد به مجازات متوسط مدت حبس روبرو میگردند (تعریف شده در قانون جزا، حبس حد اقل یک سال الی پنج سال) و / یا جریمه نقدی بین 240 دالر و 1200 دالر (12000 الی 60000 افغانی). در قانون مجازات حکمی درباره توهین یا تحقیر شفاهی و یا تحریری در برابر خدا، دین، نمادهای مقدس، یا کتابهای دینی توضیح وجود ندارد.

قانون مطبوعات انتشار و ترویج ادیان بجز از اسلام را منع قرار میدهد. بسیاری از مقامات و بسیاری از جامعه تبلیغ برای ادیان دیگر را خلاف اعتقادات اسلام میدانند. گزارشات تایید نشده از آزار و اذیت مسیحیان خبر میدهد که بطور مشکوک در تبلیغات دینی دست داشتند. برخی از مسیحیان مشاهده شده اند که از تلاش برای گسترش مذهب خود را به جامعه بزرگتر اجتناب کرده اند.

قانون اساسی از آزادی بیان و مطبوعات دفاع میکند. قانون رسانه های گروهی، که مقالات منفی در ارتباط با آزادی بیان و عقیده شامل آن بود، در سپتمبر 2009 در جریده رسمی به نشر رسید. در سال 2007 این قانون توسط رئیس جمهور کرزی ویتو شده بود که در سپتمبر 2008 پارلمان در منظوری این قانون غالب شد.

قانون رسانه ها در فصل دهم، "وظایف و مواد ممنوعه برای تولید، چاپ و نشر"، ماده 45 تولید، دوباره تولید، چاپ و نشر مواد زیر را منع قرار میدهد: امور و موادی که مغایر با اساسات اسلام باشد؛ امور و موادی که برای ادیان و گروه های دیگر اهانت آور باشد؛ امور و موادی که برای افراد اصلی و یا حقوقی متجاوز و یا اهانت آور باشد؛ امور و موادی که برای افراد اصلی و یا حقوقی افترا آمیز باشد و بر شخصیت و اعتبار آنها لطمه وارد کند؛ امور و موادی که در تناقض به قانون اساسی باشند و در قانون مجازات جرم پنداشته شوند؛ تبلیغ و تشهیر دین دیگر بغیر از اسلام؛ فاش ساختن تصاویر قربانیان تشدد و یا زنا بالجبر بطوریکه به وقار آنها در اجتماع صدمه وارد کند؛ مقالات و مطالبی که به وضع فزینی، اخلاقی و عقیده افراد مخصوصا اطفال و نوجوانان صدمه وارد کند، همچنان به اساس قانون رسانه ها، ناشران روزنامه ها، مسئولین مطابع، و مالکان رسانه های الکترونیکی یا برقی باید از وزارت اطلاعات و فرهنگ اجازه فعالیت بدست آورند و ثبت و راجستر گردند.

ابهام در مورد مواد ممنوعه باعث خطر محدودیت آزادی بیان و ترساندن ژورنالیستان میگردد. این قوانین بالای غیرمسلمانان و رسانه های خارجی نیز تطبیق میگردند. قانون تعدیل شده رسانه ها، رادیو و تلویزیون ملی را مکلف میسازد که نشرات متوازن را انجام دهند که منعکس کننده فرهنگ، زبان و عقاید مذهبی همه گروه های قومی در کشور باشد. به اساس قانون، رادیو و تلویزیون ملی باید پروگرام ها را در روشنی اساسات دین اسلام و ارزشهای ملی و معنوی ترتیب کنند.

شورای علما، مجموعه از گروه علمای سنی، شیعه و صوفی در کشور است که شبکه شوراهای علمای ولایتی را منعکس میکند. اعضای بلند رتبه این شورا مکرراً با رئیس جمهور ملاقات میکنند و در مورد مشکلات اخلاقی، معنوی و حقوقی به او مشوره میدهند. این شورا در ظاهر از حکومت مستقل است، اما اعضای شورا از دولت کمک مالی بدست میآورند. از طریق ارتباطات با ارگ ریاست جمهوری، پارلمان، وزارتخانه ها، شورای علما و اعضای شورا مشوره داده اند که برای تطبیق قوانین مروج در کشور یک اداره تقنینی جدید ایجاد گردد. اگرچه در مراکز ولایات موجودیت این شورا محسوس است اما به قریه جات و ساحات دور دست دسترسی ندارد.

در 2007 شورای علما وضع محدودیت های را بر آزادی بیان و مطبوعات پیشنهاد نمود. شورا خواست که از امور اهانت آمیز به عنعنات محلی و ارزشهای مذهبی حذر گردد، بر مبنای اینکه "حفاظت نوامیس ملی و ارزشهای اسلامی وظیفه هر فرد کشور است". این اعلامیه ماده اول قانون اساسی را منعکس میکند، و در قضیه های مشهور عملی شد مانند قضیه پرویز کامبخش که به جرم پخش دوباره مواد از انترنیت در باره وضع زنان در اسلام به 20 سال حبس محکوم شد. رئیس جمهور کرزی در اگست 2009 برای

کامیخش فرمان عفو اعلان کرد. اکثر افراد، بشمول اعضای مشرانو جرگه، این فرمان عفو را محکوم نمودند، اما جامعه جهانی از آن شدیداً حمایت می کردند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان آزادی مذهبی را نظارت میکند و در مورد شکایات مردم تحقیقات میکند. در جریان گزارش دهی، تمام قوماندانی های امنیت و لایتهی به مسئولین حقوق بشر درین تحقیقات همکاری کردند، اما اکثریت آنها مانند ادارات دیگر عمله و امکانات کافی را نداشتند.

وزارت حج و اوقاف یگانه وزارت است که مسایل دینی را اداره میکند. مسئولیت های وزارت شامل فرستادن افراد به حج بیت الله، جمع آوری ذکات و عشر، تشخیص ملکیت های که باید ذکات بپردازد، فراهم کردن تدریس دین برای افراد، نشر فتواها، امتحان گرفتن از امامان و تقویه کردن آگاهی عامه در مسایل دینی میباشد.

پیروان مذاهب سنی و شیعه هر دو میتوانند به حج سفر کنند و حکومت فیصدی خاص برای هر دو طرف تعیین نکرده است. در حدود 30,000 تن درحج سال 2009 اشتراک کردند که نامهای شان از طریق قرعه کشی انتخاب شد.

گروه های مذهبی نیاز به ثبت و راجستر ندارند، اگرچه حکومت ملاها را راجستر مینماید. ملاهای که برای وزارت حج و اوقاف کار میکنند معمولاً از طرف مردم پیشنهاد میشوند و بعداً توسط وزارت تأیید میشوند. حدود 160,000 ملا در کشور کار میکنند. 3,500 آنها در وزارت حج و اوقاف راجستر هستند و از وزارت معاش وصول میکنند. حدود 1,380 ملا در کابل فعالیت میکنند. که 620 آنها از وزارت معاش بدست میاورند (و بخش از 3,500 ملا در سراسر کشور بحساب میآیند). تعداد زیادی از ملاهای مساجد بعلت عدم موجودیت بودجه کافی و مشکلات امنیتی در ولایات ثبت و راجستر نیستند. اعمار و یا آغاز فعالیت مساجد جدید به اساس پلان حکومت برای توسعه صورت میگیرد و یا باشنده گان محل پیشنهاد میکنند که در نهایت توسط وزارت حج و اوقاف باید تأیید گردد.

وزارت معارف این نکته را مسئولیت دولت میداند که برای اطفال و جوانان زمینه تعلیمات معاصر اسلامی را فراهم نماید. از سال 2007 بدینسو مدارس حکومتی به این منظور فعالیت میکنند که از رفتن جوانان به مدارس افراط گرا در بیرون از کشور جلوگیری شود و از نفوذ آنده افراد افراطی که در محلات دور دست کشور اند و در مدارس مستقل دست دارند، کاسته شود. هدف این مدارس فراهم آوری زمینه های علی البذل تعلیمات اسلامی به مردم است که معمولاً توسط طالبان بطور سلاح برای فعالیت های تروریستی استفاده میگردد، اما کمبود بودجه مانع این پلان میشود. در اواخر این گزارشدهی، در سراسر کشور بشمول کابل، مزار شریف، ننگرهار و هرات 48 مدرسه وجود داشت که از طرف حکومت تمویل میشد. حکومت 14 مدرسه را در سال 2007 و 8 دیگر را در 2008 به این منظور افتتاح نمود که بتواند یک مدرسه در مرکز هر ولایت و از جمله 364 ولسوالی یک مدرسه در هر ولسوالی وجود داشته باشد. این مدارس گنجایش 50,000 شاگرد را دارند، در نصاب درسی آن 40 فیصد دینیات، 40 فیصد علوم عمومی و 20 فیصد علم کمپیوتریا کمپیوتر ساینس و لسانهای خارجی شامل است.

وزارت معارف مدارس را مکلف میداند که باید جوازنامه داشته باشند و منابع مالی شان را واضح سازند. در سال 2009 در سراسر کشور 240 مدرسه افتتاح شد. مدارس مکلفیت دارند که کمکهای داخلی و یا خارجی را از طریق وزارت معارف بدست بیاورند، بدون آن فعالیت شان متوقف میگردد. از طریق این سیستم حکومت میتواند که جریان کمکها از طرف دوستان را به مدارس نظارت کند. به گفته وزارت معارف، حکومت برای بدست آوردن کمکها برای مدارس طبقه های مختلف، از کشورهای اسلامی و افراد خواست کمک میکند، بشمول تقاضا از عربستان سعودی برای حمایت یک مدرسه.

در نصاب تعلیمی که در جریان 30 سال جنگ باقی مانده، روی دین تأکید بیشتر شده است. قانون اساسی حکم میکند، "حکومت بر مبنای دین مقدس اسلام، فرهنگ ملی و با در نظر داشت معیارهای آکادمیک باید یک نصاب واحد را ایجاد و عملی سازد، و مضامین دینی شامل نصاب باید به اساس مذاهب اسلامی که در افغانستان وجود دارند، ساخته شود". در نصاب مکاتب اسلام تدریس میشود اما ادیان دیگر تدریس نمی گردند.

بر تدریس دین از سوی والدین قیود وجود ندارد، و افراد غیرمسلمان مکلف نیستند که اسلام را مطالعه نمایند. در کتابهای نصاب ملی که روی اساسات اسلام معتدل تأکید میکند، قدم به قدم تبلیغ و تدریس جهاد را در مکاتب تعویض مینماید.

حکومت که بعد از طالبان بقدرت آمد، احزاب سیاسی را که بر مبنای مذهبی فعالیت میکنند منع قرار نداد. قانون اساسی در مورد جواز فعالیت احزاب سیاسی حکم میکند که "پروگرام و منشور حزب مغایر به اساسات دین مقدس اسلام نباشد".

### محدودیتها بر آزادی مذهبی

حکومت محدودیتهای حقوقی کنونی بر آزادی مذهبی را انتخابی و از روی تبعیض عملی ساخت. در ماه می 2010 یک ژورنالیست تلویزیون پروگرامی را نشر کرد که در آن یک موسسه غیرحکومتی عیسوی را متهم به تبلیغ عیسویت کرده بود، و تصاویر دو سال قبل از یک گروه را نشان داد که به عیسویت روی آورده بود و خود را چنین معرفی میکردند. در جواب وزارت اقتصاد، که موسسات غیرحکومتی را تنظیم میکند، فعالیت های آن دو موسسه غیرحکومتی وابسته به عیسویان را بطور موقت ممنوع قرار داد که از طرف ژورنالیست متهم به تبلیغ عیسویت شده بودند. اگرچه هیچ نوع شواهد بدست نیامد که تبلیغ عیسویت این موسسات را ثابت سازد، اما اکثریت فعالیتهای آنها الی آخر این گزارش دهی متوقف بود. و همچنان رئیس جمهور به وزارت داخله، ریاست امنیت و لوی خرنوالی امر نمود که درباره تبلیغات دینی موسسات غیرحکومتی تحقیقات را انجام دهند.

در باره وضع محدودیت بر تربیت مذهبی معلوماتی در دسترس نبود. حکومت به ملا های راجستر شده معاش اندک می پرداخت، مگر تعداد کم ملاها ثبت و راجستر بوند، بخاطریکه پروگرام حکومت برای ثبت و راجستر ملاها بودجه و کارمندان کافی نداشت. بر اعمار عبادتگاه ها توسط اقلیتهای مذهبی و یا تربیت افراد مذهبی برای خدمت کردن به افراد آن عقیده، محدودیت وجود نداشت، اما تعداد عبادتگاهها برای اقلیتها در محلات عمومی اندک بود.

حق تغییر دادن عقیده توسط شخص نه از لحاظ قانونی و نه هم عملا قابل احترام بحساب میآمد. مسلمانانیکه به عیسویت رو آورده بودند در خطر آن قرار داشتند که ازدواجشان لغوه شود، از فامیل و قریه اخراج شوند و وظیفه را از دست دهند. در ماه می سال 2010 بعد از بتعلیق درآمدن کارهای دو موسسه غیرحکومتی به اتهام دعوت به دین عیسوی، بعضی از اعضای پارلمان نظر داشتند تا کسانیکه مرتد شده اند، باید جزاهای سنگینی را، بشمول اعدام در محضر عام، ببینند.

چندین ادارات خارجی در کشور فعال بودند که هدف فعالیت آنها جلوگیری از آزار و آذیت مردم بود. رد جریان این گزارش دهی، چندین واقعه محدود بود در مورد افرادی که مردم را به دین تغییر دادن عقیده دعوت مینمود، اما پیگرد قانونی صورت نگرفت. در مارچ سال 2010 یک تبع امریکا و یک هالندی توسط امنیت ملی به اتهام دعوت تغییر عقیده دستگیر شدند اما بعد از چندین روز تحقیق رها شدند. بعضی ادارات غیرحکومتی گزارش دادند که از سوی اداره امنیت ملی بطور متواتر تعقیب میشوند، بشمول تالاشی خانه برای مواد چاپ شده دینی و یا آثار دیگر دعوت. بعضی موسسه های غیرحکومتی بین المللی که با تنظیمهای مذهبی ربط دارند، گزارش دادند که در صدور ویزه به آنها تاخیر وجود داشت.

بعد از تظاهرات ماه می 2010 علیه موسسات غیرحکومتی که منتسب به دعوت به دین و تغییر عقیده در کشور بودند، سخنگوی رئیس جمهور گفت که شخصا رئیس جمهور درین قضیه وارد عمل شده و امنیت ملی و وزارت داخله را وظیفه سپرده که درین باره تحقیق کنند. وحید عمر تاکید کرد که حکومت بجذیت علیه افرادی که مردم را برای تغییر عقیده به ادیان دیگر دعوت میکنند، مبارزه خواهد نمود.

در حدود 90 فیصد افراد کشور گفتند که به شنیدن رادیو دسترسی دارند. هر نشریه رادیویی حد اقل یک ساعت وقت را برای پروگرامهای دینی اختصاص داده است، بشمول، تلاوت قرآن، مصاحبه با علمای دینی و نشر گفتارهای ثبت شده توسط بزرگان دینی.

در سالهای گذشته، هندوها و سکها شکایت داشت که به دلیل دخالت باشنده گان محل نمی توانند مرده های شان را به اساس عقیده شان بسوزانند. حکومت در دفاع از حقوق هندوها و سکها در سوزانیدن موات کمک نکرد. آنها برای دریافت قطعه زمینی که برای سوزانیدن مرده های شان استفاده کنند، متواتر به حکومت عریضه کردند. بهایی ها همچنان نمی توانستند که مرده های شانرا با در نظر داشت رسوم خودشان تدفین کنند، اما آنها برای جلوگیری از توجه حکومت، هیچ نوع شکایت رسمی نکرده اند. اگرچه نمایندگان محلات درباره جنجالها روی ملکیت زمین مشکلات دارند، اما از ترس عمل متقابل به محاکم رجوع نمی کردند، مخصوصا اگر بزرگان باقدرت محلی زمینهای آنها را غصب میکردند. کدام تبعیض آشکار در برابر هندوها در حکومت وجود نداشت.

حکومت برق مجانی را به مساجد تهیه نموده بود. هندوها و سکها از حکومت میخواستند که به گوردواره ها و مندر های آنها نیز برق مجانی تهیه کند، اما، الی اواخر جریان گزارش دهی حکومت به این خواست جواب مثبت نداده بود. بر علاوه، گوردواره ها و مندر ها بحیث نهادهای تجارتي شمرده میشدند و پول بیشتر را می پرداختند.

بالای وارد کردن متون مذهبی محدودیت های خاص وجود نداشت.

حکومت افراد را مکلف نمیداند که در کارتهای هویت ملی عقیده را تذکر دهند، اما، حکومت بشمول محاکم، بطور عنعنوی تمام اتباع را مسلمان می شمارند. به همین لحاظ، بعضی حقوق ابتدایی اتباع غیرمسلمان در قانون تذکر نیافته بود.

### سؤ استفاده از آزادی مذهبی

بعضی اقدامات مسئولین هتک احترام به آزادی مذهبی بعضی افراد و گروه های بود.

در تاریخ 3 جون 2010 دو تن به اتهام روگشتاندن از اسلام بعد از آن دستگیر شدند که یک چینل تلویزیونی تصایر از ارتداد را منتشر ساخت. این افراد الی اواخر این گزارشدهی در قید اداره امنیت ملی بودند.

در 20 مارچ 2010، رئیس جمهور کرزی غوث زلمی و قاری مشتاق را که بخاطر انتشار متن دری قرآن کریم بدون متن عربی آن به 20 سال حبس محکوم شده بودند، مورد عفو قرار دادند. اعضای شورای علما و پارلمان از جمله کسانی بودند که برای این عفو تبلیغ نمودند. این اقدام از جریان گزارشدهی سال گذشته تفاوت داشت. سال گذشته علمای دینی در محکمه ادعا کردند که ترجمه دری بطور غیراسلامی صورت گرفته بود و درباره شراب، خیرات، همجنس بازی و زنا مسایل نادرست تفسیر شده بود. عفو برای غوث زلمی و قاری مشتاق را ستره محکمه در اگست 2009، فیصله محکمه استیناف در فبروری 2009 و محکمه ابتداییه در سپتمبر 2008 رد کرد. این اعلان عفو تظاهرات را در پی نداشت، اما در سال 2007 در مناطق مختلف تظاهرات صورت گرفته بود که میخواست غوث زلمی و قاری مشتاق جزا ببینند.

در اگست 2009 رئیس جمهور کرزی در نتیجه فشارهای داخلی و بین المللی، سید پرویز کامبخش را مورد عفو قرار داد. او محصل پوهنتون بلخ بود و برای روزنامه جهان نو بحیث ژورنالیست کار میکرد. در 2007 پولیس او را بعد از آن دستگیر کرد که او یک مقاله را در مورد رول زنان در جوامع اسلامی از انترنیت داونلود کرده بازبخش نمود. در سال 2008 یک محکمه ابتدایی به اساس شریعت او را "به جرم بی حرمتی به پیغمبر اسلام" به اعدام محکوم کرد. کامبخش بطور عاجل استیناف طلب شد، و لوی خرنوالی قضیه را به محکمه استیناف کابل محول کرد. بعد از چندین روز جلسات استماعیه، در اکتوبر 2008 یک محکمه استیناف در کابل در حین جلسه پشت دروازه های بسته بدون مطلع ساختن وکیل مدافع کامبخش، جزای او را از اعدام به 20 سال حبس تقلیل داد. تعداد زیادی از مردم بشمول اعضای مشرانو جرگه عفو کامبخش را محکوم نمودند. کامبخش پیش از اینکه خبر عفو او به مطبوعات برسد از کشور فرار کرد.

در سال 2007 ریاست فتوای ستره محکمه فیصله نمود که عقیده بهایی شامل اسلام نمی شود و آنرا کفر خواند. بعد از انتشار این حکم، درین ارتباط دوسیه ها دیگر صورت نگرفته است.

### تغییر عقیده بالجبر

در مورد تغییر عقیده بالجبر معلومات و راپور ها وجود نداشت.

سؤ رفتارها توسط یاغیان، قوای خارجی یا تنظیمهای تروریستی

در جریان این گزارشدهی سؤ رفتارها از طرف تنظیمهای تروریستی بشمول القاعده و طالبان با گروه های مشخص مذهبی گزارش شده است. بگونه مثال در سال گذشته، کشتن سران مذهبی و حملات بر مساجد به افراد القاعده و طالبان نسبت داده میشد. به اساس منابع عناصر غیرحکومتی بزرگان قومی بخاطر ارتباط آنها با حکومت و تصور شخصی آنها از اسلام، بطور دوامدارا نشانه میساخت.

به اساس معلومات شورای علماء، شورشیان از سال 2002 بدینسو 39 علما را کشته اند. در مورد کشته شدن یک امام در ولایت فراه توسط طالبان بعد از آنکه او در خطبه حملات انتحاری را تقییح نمود، گزارشهای دیگر منتشر نشده است.

اهداف سیاسی علت اصلی عقب حملات شورشیان بالای مکاتب بحساب میآیند. در جولای سال 2009 در ولایت لوگر، جابجا نمودن بم ها توسط طالبان در پهلوی یک مکتب بشمول 12 شاگرد مکتب 25 تن را هلاک ساخت. در اگست 2009 کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گفت، دو مکتب بعد از آن حریق گردیدند که از تعمیر هایشان برای ثبت نام و رای دهی انتخابات استفاده گردید. در دسمبر 2009 طالبان بالای شهر لنگر در ولایت بادغیس حمله نمود، مکتب دختران را حریق نمود، کلنیک صحنی را چور و سه پولیس را کشت. به اساس گفته رئیس معارف ولایت هرات، در ماه می 2010 به معلمین و شاگردان انات در ولسوالی های گزره، شیندند، کوهی رباط سنگی و کهنه اخطار داده شده بود که به مکاتب نروند. در 28 می 2010، در منطقه لکن ولایت خوست یک مکتب را ویران کرد و دو مکتب دیگر را اخطار داد؛ حمله کنندگان در مقابل دوباره فعالیت مکاتب خواستار رهایی چندین قیدی طالب بودند. شورشیان بالای مکتب زاکو خیل که توسط موسسه بین المللی نگهداری حمله کرد و آنرا تقریباً ویران نمود. آنها دو مکتب دیگر را نیز در خوست اخطارهای تحریری داد که در آن اخطاریه از شاگردان خواست شده بود که به مکاتب نیآیند.

### بهبتری و پیشرفت در عرصه آزادی مذهبی

حکومت بطور دوامدار روی آشتی مذهبی و قومی تاکید می کرد که بطور غیر مستقیم حمایت برای قوه قضائیه، قانون اساسی و کمیسیونهای حقوق بشر باشد که متشکل از کارکنان اقوام مختلف و مذاهب مختلف (شیعه و سنی) است. وزارت امور زنان و وزارت حج و اوقاف با هم سعی نمودند که برای انات زمینه رفتن به مساجد را فراهم سازد.

در کابل اتباع خارجی معمولاً در محلات شخصی برای عبادت دین عیسوی دور هم میآیند. پیروان دین بودایی اجازه دارند که در عبادتخانه های هندو ها عبادت کنند.

حکومت بودجه اندکی را به مکاتب سکها فراهم نموده است. در سال 2007 وزارت معارف برای اطفال هندو و سک مکتب خصوصی را در ولایت غزنی افتتاح نمود. در مارچ 2010 حکومت برای تدریس دری و پشتو در مکتب سکها در کابل دو معلم را مقرر نمود، مگر حکومت برای تدریس مضامین دیگر پلان نداشت. بعضی اطفال سک از مکاتب دور زندگی میکردند و رفتن به مکتب برای شان مشکل بود.

سکها و هندو میگویند به سبب تعصب که در برابر آنها در گذشته صورت گرفته است، نمیخواهند دیگر به وظایف دولتی پیشنهاد کنند. یک سک هنوز هم عضویت مشرانو جرگه را دارد. آنها دلیل می آوردند که اگر برای کوچی ها 10 چوکی مشخص میگردد چرا برای آنها چوکی مشخص در پارلمان نباشد.

### فصل سوم. وضعیت احترام اجتماعی برای آزادی مذهبی

روابط میان شعبات مختلف اسلامی تاحدی مشکلات داشت. از لحاظ تاریخی، شیعه ها با تعصب از سوی سنی ها روبرو اند. از اینکه نمایندگی شیعه ها در دولت بیشتر شده است، تبعیض سنی ها علیه اجتماع شیعه ها نیز کاهش یافته است. سنی ها نیز از نفوذ در حال توسعه شیعه ها اظهار رنجش میکردند، و علت آنرا کوششهای ایران یاد میکردند که میخواهد در فرهنگ و سیاستهای کشور اعمال نفوذ کند.

اکثریت شیعه ها از قوم اقلیت هزاره هستند، که از لحاظ سیاسی، قومی، مذهبی از دیگر اقوام در انزوا قرار داشته اند و در بعضی اوقات این کار باعث بروز بحرانها شده است. هزاره ها حکومت را ملامت میکند که به پشتونها بیشتر توجه دارد و اقلیتها مخصوصاً هزاره ها را نادیده میگیرد. حکومت اقدامات مؤثر را کرده است که مشکلات تاریخی در برابر اجتماع هزاره ها را رفع سازد. اگرچه گزارشات غیر رسمی درباره تبعیض سمتی وجود داشت، مگر شیعه ها بالعموم آزادانه میتوانستند که در تمام امور زندگی اجتماعی سهم داشته باشند.



سه اسماعیلی در پارلمان عضویت دارند، اعضای اجتماع اسماعیلیه انتقاد میکنند که در تقسیم قدرت سیاسی در انزوا قرار داشته اند.

غیرمسلمانان مانند سکها، هندوها و عیسویان بطور دوامدار با تبعیض اجتماعی، آزار و آذیت و در بعضی حالات با تشدد رویرو هستند. این رویه سیستماتیک نبود، اما در جرین این گزارشدهی حکومت بمنظور بهبود وضعیت هیچ اقدامی نکرد. نظر عامه مخالف افغانهای برگشته به عیسویت، و افراد و گروه های عیسوی بود که برای عیسویت تبلیغ میکنند. نشر بیانیه های اشتعالی از سوی پارلمان و برنامه های تلویزیونی تظاهرات عمومی را در ولایات مختلف در پی داشت. طی یک مظاهره تمثال پاپ بندیکت XVI را حریق نمود؛ مظاهره دیگر خواستار مسدودیت تمام کلیساها گردید (هرچند هیچ کلیسای وجود ندارد). بیش از 1,000 تن در مزار شریف مارش نمودند، و خواستار توقف فعالیت اداراتی در افغانستان شدند که مردم را به عیسویت دعوت میکنند. یک موسسه غیرحکومتی عیسوی زمانی دفتر را از دست داد که مردم محل از صاحب خانه خواستند که آن موسسه را از خانه اش اخراج کند.

هندوها که نظر به سکها (که مردان آنها لنگی مخصوص می پوشند) کمتر از مردم عام تفاوت دارند، کمتر شکار آزار و آذیت شده اند، گرچه هر دو گروه میگویند از سوی افراد اجتماع آزار و آذیت می بینند. سکها و هندوها میتوانند بطور علنی امور مذهبی شانرا عملی کنند، اما به اساس راپورها بطور دوامدار نشانه تبعیض و ارباب میشوند، و در جریان این گزارشدهی 30 فامیل مجبور به ترک کشور شده اند. اگرچه هندو ها و سکها برای تلاش راه حل این معضله سعی کرده اند، به گونه مثال ایجاد محکمه خاص ملکیت و زمینها، اما در عمل این اجتماعات خود را در خطر میبینند.

اکثر خانواده های سک و هندو از ترس آزار و آذیت از سوی شاگردان دیگر، اطفال شانرا به مکاتب عامه نمی فرستادند. در گذشته هندو ها و سکها اطفال شانرا به مکاتب خصوصی میفرستادند، اما بعلت مشکلات اقتصادی و ضعف استطاعت اقتصادی فامیلها، آن مکاتب شخصی بسته شدند. تنها یک مکتب برای اطفال سک در غزنی وجود دارد؛ دیگر در هلمند؛ و از مارچ 2010 بدینسو یک مکتب در کابل نیز فعال است که در آن دری و پشتو تدریس میشود. اجتماع سکها در ننگرهار همچنان میخواهد مکتب مخصوص داشته باشد؛ در جریان این گزارشدهی دولت یک مکتب را برای آنها فراهم نمود. تعداد کم اطفال سک به مکاتب شخصی بین المللی میروند. در کشور مکاتب عیسوی وجود ندارند. در جریان گزارشدهی هیچ طفل هندو در کابل به مکتب نمی رفت. دولت اقدامات اندک را نموده است که موقعیت این اطفال را در صنوف دوباره برقرار کند.

مقامات مذهبی محلی، بطور دوامدار با طرز پوشیدن و برخوردهای اجتماعی زنان مخالفت داشت. در اطراف اکثریت زنان در بیرون از خانه چادری می پوشند. از فرو ریختن نظام طالبان به این طرف، اکثریت زنان در شهرها چادری نمی پوشند، اما تقریباً همه زنان نظر به ذوق و سلیقه شخصی و یا فشار اجتماعی چادر می پوشند.

### **فصل چهارم. پالیسی حکومت ایالات متحده**

حکومت ایالات متحده به اساس پالیسی عمومی خود بمنظور تقویت حقوق بشر با مقامات دولتی در مورد آزادی مذهبی مذاکره میکند.

نمایندگان امریکایی مکرراً با مقامات حکومتی و بزرگان اقلیتهای مذهبی ملاقاتها داشتند و در باره ابعاد حقوقی، مذهبی و حقوق بشر در بازسازی کشور گفتگو و مذاکره میکردند. حکومت همچنان به بمنظور تقویت تحمل مذهبی با جامعه مدنی همکاری می کرد.

سفارت امریکا برای تقویت روابط فرهنگی و مسلکی میان افراد محلی و ایالات متحده فعالیت می کرد. شعبه امور عامه سفارت پروگرامهای همکاری در عرصه های هنری و اطلاعات را به راه انداخته که در تشریح نظریات میان امریکائیان و افراد محلی در مورد دیموکراسی، جامعه مدنی، حقوق بشر، اسلام و امریکا و موضوعات دیگر میشود. ایالات متحده برای ژورنالستان، افراد اکادمیک، سیاستمداران، مقامات حکومتی، بزرگان قومی و مذهبی، خانمها، جوانان و مقامات موسسات غیرحکومتی محلی زمینه آنرا مساعد ساخته که به ایالات متحده سفر کنند و با همکاران امریکایی شان تشریح مساعی کنند.

در اکتوبر 2009 سفارت در یک پروگرام رهبری مهمانان بین المللی زیر نام "دین در امریکا" سه تن از علمای افغان و چندین بزرگان مذهبی را به ایالات متحده دعوت کردند. سفارت همچنان برای اشتراک در پروگرامهای 2010 و 2011 چندین علمای افغان را انتخاب نموده است.

از طریق بودجه سفارت برای پیشرفت فرهنگی، سفارت از بازسازی محلات مذهبی حمایت میکرد، بشمول بازسازی مسجد نه گنبد از قرن نهم میلادی. در جریان این گزارش دهی، بازسازی وسیع نه گنبد، یکی از تعمیرهای کهن جهان اسلام از دوران معماری عباسی، جریان داشت. بعضی پی آر تی ها از طریق برنامه های بازسازی عساکر امریکایی در بازسازی مدارس محلی و فراهم کردن امکانات برای این مدارس کمک میکردند. ازین طریق در بازسازی و بهبود امکانات چندین مسجد و مدرسه کمک صورت گرفته است بشمول مسجد مزار شریف و برای بازسازی مدرسه بزرگ اولیا مصارف فراهم شده است.

دولت امریکا برای تقویت تحمل مذهبی در هماهنگی با موسسات جامعه مدنی کار میکند. در جریان این گزارشدهی، ایالات متحده برای تقویت شعار "حقوق بشر و حقوق زنان در چوکات اسلام" پروگرامهای رادیویی را حمایت کرد و برای تربیت بزرگان مذهبی، انتخابی و محلی در این عرصه پروگرامها را از طریق موسسات غیرحکومتی براه انداخت. در جریان این گزارشدهی بیش از 200 بزرگان اجتماع و مذهبی تربیت دیدند. دولت ایالات متحده همچنان برای برگزاری 14 محفل با 600 اشتراک کننده و همچنان برای 6 تئاتر متحرک با 2,000 بیننده مصارف مالی را فراهم نمود.

موسسه کمکهای توسعه بین المللی ایالات متحده از پیشرفت جامعه مدنی در کشور حمایت میکند و با افغانستان همکاری میکند که بزرگان اسلامی را درین جریان دخیل سازد، که در ساختار ذهنیت در سراسر جامعه رول بسزا و بسیار زیادی دارند. پروگرام همکاری با افغانستان هشت مجلس علما را (چهار در کابل، دو در هرات و دو دیگر یک در ننگرهار و یک در بلخ) دایر کرده است، که در آن به شمول 58 علما 66 تن سهم داشت، که 9 تن آنها خانمها بودند و هشت تن نمایندگان از جامعه مدنی حضور داشتند. هدف این نشستها آغاز و گفتگو یا دیالوگ با علما در باره سهم آنها در جامعه مدنی و نظریه دیموکراسی از نگاه اسلام، و جستجو نظر آنها در مورد سؤ ظن ها و شک و تردیدها در اجتماع در باره جامعه مدنی، و تعمیم سفارشات برای ازبین بردن نظریات منفی. یک راپور زیر عنوان "جامعه مدنی افغان از نظر علما" در سال 2010 به نشر رسید.